



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یکی از آقایان سوالی در زمینه تقسیم ارث در صورتی که زوجه از دنیا رفته و شوهر و پنج پسر دارد پرسیده، معلوم است که در اینجا سهم زوج بالفرض ربع خواهد بود و سه چهارم باقیمانده را پنج پسر بالقرابه ارث می برند و طبق قاعده ای که خواندیم عدد رؤس افرادی که بالقرابه ارث می برند یعنی پنج پسر را در اصل مسئله که طبق سهم فرض بر مشخص شده یعنی ۴ ضرب می کنیم که در اینجا حاصلش می شود ۲۰ و سپس ربع آن یعنی ۵ سهم را به شوهر می دهیم و ۱۵ سهم باقیمانده را بین پنج پسر تقسیم می کنیم و به هرکدام ۳ سهم می دهیم و درست می شود.

خب و اما کلام در جائی بود که یک فرض بر داریم و بقیه غیرذوفرض هستند و بالقرابه ارث می برند و گفتیم این نیز دو صورت دارد گاهی بعد از دادن سهم فرض بر وقتی الباقی را بین غیرذوفرض تقسیم می کنیم کسر لازم نمی آید ولی صورت دوم جائی است که کسر لازم می آید و همانطور که گفتیم در هر جائی که کسر لازم بیاید عدد رؤس افراد را در مخرج اصلی ضرب می کنیم و بواسطه این ضرب کسر برطرف و تقسیم درست می شود، اما مطلب دیگر این است که بین عدد رؤس و مخرج اصلی چهار نسبت وجود دارد؛ متمثلان و متداخلان و متباینان و متوافقان.

متمثلان: شخصی از دنیا رفته و کلاله ابوینی متعدد دارد که ثلثان یعنی دوسوم می برند و همچنین کلاله اُمی متعدد دارد که ثلث یعنی یک سوم می برند خب در

اینجا دو مخرج ۳ داریم که با هم متمثل هستند و حالا اگر بعد از معین شدن اصل مسئله در صورتی که وافی به تعداد آنها نباشد و کسر لازم بیاید به سراغ عدد رؤس آنها می رویم و طبق عدد رؤس آنها سهامشان را معین می کنیم و بعد در اصل مسئله یعنی ۳ ضرب می کنیم و سپس طبق آن سهام را تقسیم می کنیم.

متوافقان: زنی از دنیا رفته درحالی که شوهر و پدر و یک ولد دارد، در اینجا دو فرض بر داریم شوهر بخاطر وجود ولد ربع و پدر نیز سلس می برد که در اینصورت دو عدد ۴ و ۶ متوافقین هستند زیرا هر دو مقسوم علیه مشترک یعنی ۲ دارند به عبارت دیگر متوافق بر نصف هستند، حالا یکی از مخارج را در مقسوم علیه مشترک تقسیم می کنیم و خارج قسمت را در دیگری ضرب می کنیم و در اینجا ۴ را تقسیم بر ۲ می کنیم خارج قسمت یعنی ۲ را در ۶ ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۱۲ و یا ۶ را بر ۲ تقسیم می کنیم و خارج قسمت یعنی ۳ را در ۴ ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۱۲ و بعد ربع آن یعنی ۳ سهم را به شوهر و سلس آن یعنی ۲ سهم را به پدر می دهیم و حالا اگر یک ولد داشته باشد ۷ سهم باقیمانده را به او می دهیم یا اگر هفت ولد داشته باشد به هر کدام یک سهم می دهیم و اما اگر تعدادشان غیر از اینها باشد طبق قاعده عدد رؤس آنها را در اصل مسئله یعنی ۴ و ۶ ضرب می کنیم و سپس سهام را تقسیم می کنیم، خلاصه این متوافقان بود که به عرضتان رسید.

متباینان: شخصی از دنیا رفته درحالی که اُخت واحده و کلاله اُمی متعدد دارد، اُخت واحده نصف یعنی یک دوم و کلاله اُمی متعدد ثلث یعنی یک سوم می برند، خب در اینجا ۲ و ۳ با هم متباین هستند و تباین

وعشرون، وقد یجتمع فیها الأوصاف بأن یكون بعضها
مباينا لبعض، وبعضها موافقا، وبعضها مداخلا.^۱
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

صورتی است که اگر یکی را از دیگری تفریق کنیم عدد
۱ باقی بماند، حالا وقتی دو عدد متباین شدند یکی را
در دیگری ضرب می کنیم که ۲ ضرب در ۳ می شود
۶ حالا نصف آن یعنی ۳ سهم را به أخت واحده
می دهیم و ثلث آن یعنی ۲ سهم را به کلاله اُمی
می دهیم و ۱ سهم باقی می ماند که در اینجا متعلق
به أخت خواهد بود البته بعدا در مورد صوری که اضافه
یا کم می آید و نحوه تقسیم بحث خواهیم کرد.

متداخلان: شخصی از دنیا رفته درحالی که اولاد ندارد
و زن و یک خواهر دارد که در اینجا زن ربع یعنی یک
چهارم می برد و أخت نصف یعنی یک دوم می برد،
این دو مخرج یعنی ۴ و ۲ در هم داخل هستند که در
صورت تداخل اکثر یعنی ۴ را أخذ می کنیم و مال را
به ۴ قسمت تقسیم می کنیم، ربع آن یعنی یک چهارم
متعلق به زن است و نصف آن یعنی دو چهارم متعلق
به أخت است و یک چهارم باقی می ماند که متعلق به
أخت خواهد بود.

برای مطالعه شما عزیزان و روشن شدن مطلب مقداری
از کلام صاحب جواهر را نقل می کنیم، ایشان در
جواهر اینطور می فرماید: «وبالجمله انكسار الفريضة
على أكثر من فريق إما أن يستوعب الجميع أو يحصل
على البعض الزائد عن فريق دون البعض، وعلى
التقديرين إما أن يكون بين سهام كل فريق وعدده وفق
أو يكون للبعض دون البعض أو لا يكون للجميع
وفق، فالصور ست، وعلى التقادير الستة إما أن تبقى
الأعداد بعد إبقائها على حالها، أو ردها إلى جزء الوفق
أو رد البعض وإبقاء البعض متماثلة أو متداخلة أو
متوافقة أو متباينة، ومضروب الستة في الأربعة أربعة

^۱ جواهر الكلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۹، ط ۴۳
جلدی.